



## توسعه منابع انرژی و...

پیش از یک سده از شناسایی نخستین چاه نفت و بهره‌برداری از آن می‌گذرد. با انقلاب صنعتی و رشد شتابان اقتصاد و شبکه حمل و نقل در اروپا، دامنه نیاز به انرژی به طور کلی و فرآورده‌های نفتی بویژه، گسترده‌تر شد. در این میان، خاورمیانه به سبب تمرکز ذخایر عظیم نفتی در خلیج فارس، به عنوان منطقه‌ای استراتژیک، صحنه بین‌المللی برای تلاش‌ها و رقابتها بر سر بهره‌گیری از ذخایر مزبور شد. این امر، به نوبه خود بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای منطقه تأثیر گسترده‌ای برجا گذاشت، به گونه‌ای که، اهمیت منطقه در زمینه انرژی، جهت‌گیری توسعه اقتصادی در خلیج فارس را تحت الشعاع خود قرار داد.

در طول سالیان دراز، بهره‌برداری از ذخایر انرژی ایران، همواره لازمه فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران تلقی می‌شد و محور مهم‌ترین رویدادهای سیاسی و برنامه‌های اقتصادی به شمار می‌رفت. اما از آنجا که کشورهای صنعتی شده جهان نیز همواره در پی منابع انرژی کشور ما بوده‌اند، از این رو، اعمال حاکمیت ملی بر منابع انرژی، موضوع اصلی مبارزات ضد استعماری و استفاده از درآمد نفتی برای تسریع در امر توسعه اقتصادی، محور مجادلات اجتماعی بوده است. بدیهی است منابع انرژی و بویژه نفت، همچون ابزاری برای تثبیت نظام سیاسی - اقتصادی وابسته به کار گرفته می‌شد که پیامد آن مصرف‌گرایی بود. بدین سان جامعه ایران، یکسره بر درآمد نفت متکی شد و توسعه اقتصادی برای کشور ما چیزی نبود جز مصرف فرآورده‌های کشورهای صنعتی که از منابع نفتی ما استفاده می‌کردند. با این همه، مسئله پایان پذیری نفت، همواره پرسشهایی جدی را پیش‌رو ما قرار می‌داد.

امروزه نیز نظام اقتصادی ما با سه مسئله بنیادی روبه‌روست که توسعه جامعه را مواجه با دشواریهای اساسی کرده است: مسئله اول، رشد پرشتاب مصرف حاملهای انرژی در بخشهای خانگی تجاری، حمل و نقل و صنعت است که به مراتب بیش از نرخ افزایش درآمد خانوارها و تولید انرژی است. بدین سان، بهره‌وری انرژی، روندی نزولی دارد چراکه بخشهای خدماتی و مصرفی مانند بخشهای تجاری و خانگی، سهم بالایی در مصرف انرژی نهایی کشور دارند. در حالی که نوسازی و رشد بنیادی اقتصادی جامعه، تنها در صورتی ممکن است که منابع مهم اقتصادی و بویژه، انرژی، به گسترش

فعالتهای تولیدی اختصاص یابد.

مسئله دوم، وابستگی بی‌چون و چرای اقتصاد کشور به درآمد نفت است. به طوری که، سهم نفت در صادرات و بودجه دولت، موجب شده است که توسعه واحدهای تولیدی، تأمین مواد و ابزار لازم برای بهره‌برداری از صنایع موجود و دستیابی خانوارها به تجهیزات خانگی و کالاهای مصرفی، تابع قیمت آن در بازارهای جهانی باشند. بدین ترتیب، هرگونه تغییر در بازار بین‌المللی انرژی، بر روند رشد اقتصادی کشور تأثیر می‌گذارد.

آخرین مسئله، پایان پذیری منابع انرژی فسیلی کشور است. بهره‌برداری بی‌برنامه از منابع انرژی در دهه‌های گذشته، به کاهش چشمگیر ذخایر انرژی فسیلی منجر شده است. چندانکه، می‌توان پیش‌بینی کرد ظرف دو یا سه دهه آینده، ذخایر نفت، کلاً پایان پذیرد. اینجاست که جایگزین کردن دیگر حاملهای انرژی و بهره‌برداری منطقی از منابع انرژی، برای توسعه اقتصادی و اجتماعی، نهایت ضرورت را دارد.

برای ایجاد تحولی اساسی در بخش انرژی، باید به تلاشهایی پیگیر دست زد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: تغییر ساختار سیستم انرژی با قرار دادن دیگر حاملهای انرژی به جای نفت، تنوع در سیستم عرضه انرژی و بهره‌برداری منطقی از منابع انرژی در بلند مدت. زمان‌بر بودن تحولات بخش انرژی ایجاب می‌کند که استراتژی مناسب با توجه به دورنمای تحولات فنی، اقتصادی و اجتماعی، با دوراندیشی تدوین و اتخاذ شود. لازمه چنین کاری، بررسی عمیق مسائل انرژی کشور و ارزیابی چشم‌انداز توسعه سیستم عرضه انرژی است که تنها با گسترش تحقیق و توسعه انرژی می‌توان بدانها دست یافت. با آنکه انرژی مهم‌ترین موضوع بحث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور در چند دهه گذشته بوده است، اما هیچ‌گونه فعالیت پژوهشی بسامان برای بررسی مسائل اقتصادی، سیاسی و فنی آن صورت نگرفته است. از این رو تصمیم‌گیری در بخش انرژی کشور، همواره بی‌بهره از جامعیت و نیروی پژوهشی بوده است. اکنون، برای سازماندهی دوباره بخش انرژی، شایسته است که دانشگاهها در امر گسترش مطالعات و تحقیقات در جهت حل دشواریهای بخش انرژی کشور، پیشقدم شوند و بدین سان، با اعتلای سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، سهمی در خور، ایفا کنند.

شریف